



پیام باستان‌شناس

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۸۸۶

دوره ۱۵، شماره ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۲



توصیف و طبقه‌بندی ظروف سفالین گورستان سرنند - دغدغان، آذربایجان شرقی

سعید ستارنژاد^۱، محمد رحمت پور^۲، جواد ژاله اقدم^۳

DOI: 10.30495/peb.2023.703425

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۹

چکیده

سفال به عنوان یکی از مهم‌ترین یافته‌های فرهنگی در گاهنگاری محوطه‌ها و بازسازی برهم‌کنش‌های فرهنگی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جایگاه مهمی دارد. بنابراین، شناخت سفالینه‌های هر دوره بسیار مهم است. در برخی از مناطق شمال غربی ایران تاکنون محوطه‌هایی از عصر آهن I و II شناسایی و کاوش شده است و لذا یک شناخت نسبی از ظروف سفالی این منطقه وجود دارد. با این حال، در برخی از نواحی، به خصوص شهرستان هریس، وضعیت عصر آهن چندان شناخته شده نیست. کاوش گورستان سرنند - دغدغان در شناخت وضعیت فرهنگی این شهرستان در عصر آهن اهمیت زیادی دارد و معرفی و ارائه مجموعه ظروف سفالی این محوطه برای مطالعات منطقه‌ای و گاهنگاری نسبی و شناخت گونه‌های سفالی در این حوزه سودمند است. در این تحقیق که به روش میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است، یافته‌های سفالی به دست آمده از گورستان سرنند - دغدغان مورد مطالعه، گونه‌شناسی، مقایسه و تحلیل قرار گرفته‌اند. این پژوهش به دنبال مطالعه تطبیقی ظروف سفالی گورستان سرنند - دغدغان با سایر محوطه‌هاست تا ضمن ارائه گاهنگاری نسبی برای این آثار، به گونه‌شناسی مجموعه ظروف سفالی این گورستان نیز بپردازد. در این گورستان تعداد ۶ گونه از اشکال ظروف شناسایی و مستندنگاری شده است که قابل مقایسه با داده‌های برخی از محوطه‌های عصر آهن I و II ایران، جنوب قفقاز و شرق آناتولی است. بنابر مطالعات انجام شده و گاهنگاری نسبی می‌توان بیان نمود که مجموعه سفالی گورستان سرنند - دغدغان هریس مربوط به عصر آهن I و II است.

واژگان کلیدی: شهرستان هریس، گورستان سرنند - دغدغان، عصر آهن I و II، طبقه‌بندی سفال، گاهنگاری.

* استناد: ستارنژاد، سعید، رحمت پور، محمد، ژاله اقدم، جواد (۱۴۰۲). توصیف و طبقه‌بندی ظروف سفالین گورستان سرنند - دغدغان، آذربایجان

شرقی. پیام باستان‌شناس، ۱۵ (۲۸)، ۲۱-۳۷.

^۱ دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. نویسنده مسئول: saeidsattarnejad@yahoo.com

^۲ اداره کل میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی، تبریز، ایران.

^۳ دانش‌آموخته کارشناسی باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، اهر، ایران.

مقدمه

سفال به عنوان یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین دست‌ساخته‌های هنری بشر بوده (کیانی، ۱۳۵۷: ۱۱) و در عین حال، فراوان‌ترین داده فرهنگی است که در مطالعات ارتباطات فرهنگی، گاهنگاری محوطه‌ها، اندیشه و تفکر جوامع انسانی و غیره، نقش مهم و اساسی دارد. از این نظر، مطالعه، گونه‌شناسی و گاهنگاری نسبی آن ارزشمند است. با این حال، پژوهش‌های کمتری درباره ظروف سفالی به خصوص در منطقه آذربایجان ایران انجام شده است، به طوری که بیشترین تعداد ظروف سفالی عموماً از کاوش‌های گورستان‌های عصر مفرغ (رضالو، ۱۳۸۶؛ نیکنامی و کاظم‌پور، ۱۳۹۰) و آهن (Muscarella, 1974؛ هژبری نوبری، ۱۳۸۴؛ حاجی‌زاده، ۱۳۹۳؛ رضالو، ۱۳۹۱) منطقه به دست آمده است. اما، مطالعات با محوریت ظروف سفالی و طبقه‌بندی آن بسیار کمتر انجام شده است. چنین ضعف مطالعاتی سبب شده است تا شناخت درباره اشکال ظروف سفالی، تحلیل‌ها و تفسیرهای احتمالی در آینده بسیار محدود شود. بنابراین، ضروری است پژوهشگران ضمن انتشار گزارش‌های مقدماتی کاوش‌های باستان‌شناختی، به طبقه‌بندی اشیای فرهنگی نیز اقدام کنند. در این صورت شناخت بسیار بهتر و کامل‌تر از محوطه‌های کاوش شده در اختیار جامعه علمی قرار خواهد گرفت.

در پرتوی کاوش‌های باستان‌شناختی سال‌های اخیر در برخی محوطه‌های منطقه شمال‌غربی ایران، شماری ظروف سفالی به دست آمده که گاه‌شناختی نسبی آن متعلق به عصر آهن است. این ظروف سفالی عموماً از گورستان‌های منطقه به دست آمده که از نظر شکل ظاهری در گونه‌های مختلف قابل دسته‌بندی است. شناخت شکل ظاهری ظروف سفالی می‌تواند در تحلیل یافته‌ها و مطالعات برخی از علوم بسیار راهگشا باشد.

بنابراین، ضروری است تا ضمن توصیف محوطه‌ها، به اشکال ظروف سفالی نیز توجه نمود و دسته‌بندی کلی براساس متغیرهای مختلف انجام داد. در پژوهش حاضر، ظروف سفالی به دست آمده از کاوش فصل نخست گورستان سرند - دغدغان واقع در استان آذربایجان- شرقی مورد مطالعه و طبقه‌بندی قرار گرفته است. در این پژوهش، تاکید بیشتر روی اشکال ظروف سفالی بوده و مطابق آن، گونه‌شناختی انجام شده است. نتایج این پژوهش، در شناخت وضعیت مناسبات فرهنگی و کنش‌های اجتماعی قسمت‌های جنوبی منطقه ارسباران (قره داغ) به خصوص شهرستان هریس با دیگر محوطه‌های هم‌زمان در عصر آهن بسیار مفید و تأثیرگذار خواهد بود. این پژوهش به دنبال مطالعه تطبیقی ظروف سفالی گورستان سرند - دغدغان با سایر محوطه‌هاست تا ضمن ارائه گاه‌شناختی نسبی برای این آثار، به گونه‌شناختی مجموعه ظروف سفالی این گورستان نیز بپردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر نتایج یک فصل کاوش باستان‌شناختی نجات‌بخشی در گورستان سرند-دغدغان استان آذربایجان شرقی است که نتایج مقدماتی آن پیش‌تر منتشر شده است (نک به، ستارنژاد و همکاران، ۱۴۰۰). در این گورستان تعداد ۳۶ گور (سالم، نیمه سالم و آشفته) به دست آمده که برای هر گور یک شماره اختصاص داده شده است (ستارنژاد و همکاران، ۱۴۰۰). برای گورنهادها نیز شماره مجزی در نظر گرفته شد. ظروف سفالی مطابق با گورها که به صورت Gr مخفف واژه انگلیسی Grave و شماره گورنهاده ثبت شده‌اند. پس از مستندنگاری درون گورها، این ظروف سفالی برداشت و مطالعات کتابخانه‌ای روی آن انجام شد. جامعه آماری در این پژوهش تعداد ۵۲ ظرف سفالی

در این منطقه، گورستان‌هایی مانند لاریجان و طوعلی، زردخانه اهر (نیکنامی و کاظم‌پور، ۱۳۹۰)، حمیدان خداآفرین (آجرلو و عسگرپور، ۱۳۹۱)، کورگان ابلو اهر (فیض‌خواه، ۱۳۹۷)، سد پیغام‌چای کلیر (طایفه قهرمانی و پاشازاده، ۱۳۹۸)، قلعه بوینو و رزقان (ناصری و همکاران، ۱۳۹۸) و غیره کاوش شده است. در رابطه با گونه‌شناسی و طبقه‌بندی اشکال ظروف سفالی در منطقه شمال‌غربی ایران پژوهش‌های کمتری انجام شده است. از جمله این مطالعات می‌توان به مقاله هنر سفالگری عصر آهن در گورستان مسجد کبود تبریز (هژبری نوبری و صالحی گروس، ۱۳۸۴)، گونه‌شناسی و معرفی سفال‌های عصر آهن کورگان‌های جعفرآباد (ایروانی قدیم و مملی‌زاده گیگلو، ۱۳۹۱)، سنت سفالگری ناحیه خداآفرین و نظریه پویایی فرهنگی عصر آهن (آجرلو و عسگرپور، ۱۳۹۱) اشاره کرد. مطالعات باستان‌شناختی شهرستان هریس بسیار محدود بوده و بیشتر متمرکز به بررسی‌های سطحی می‌شده که عموماً توسط میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی به منظور ثبت آثار انجام شده است. البته گورستان سرنَد - دغدغان در سال‌های اخیر کاوش شده و نتایج مقدماتی آن منتشر شده است (ستارزاد و همکاران، ۱۴۰۰). این پژوهش، به مطالعه و گونه‌شناسی ظروف سفالی یافت شده از این گورستان پرداخته است.

موقعیت جغرافیایی گورستان سرنَد - دغدغان شهرستان

هریس

گورستان سرنَد - دغدغان در شهرستان هریس استان آذربایجان شرقی واقع شده است. این گورستان در فاصله ۲۰ کیلومتری شهر خواجه و ۱۰۰ متری سمت جنوبی رودخانه حوری چای و در مختصات جغرافیایی طول ۴۶،۶۲۶۰۹۴۷۶ و عرض ۳۸،۳۱۶۹۳۹۱۰ در ارتفاع ۱۷۱۰ متری از سطح آب‌های آزاد قرار دارد (شکل ۱).

(تمامی ظروف سفالی گورستان) بوده که بیشتر از نظر شکل ظاهری و تزئینات مورد مطالعه قرار گرفته است. به طور کلی این پژوهش، به دو صورت مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعات ظروف سفالی به دست آمده از کاوش گورستان سرنَد - دغدغان است. ابتدا ظروف سفالی این گورستان براساس خصوصیات فنی، تزئینی و شکل مورد مطالعه، طبقه‌بندی و گونه‌شناختی قرار گرفتند و سپس، گاهنگاری نسبی و بررسی مقایسه‌ای با محوطه‌های دیگر انجام شده است.

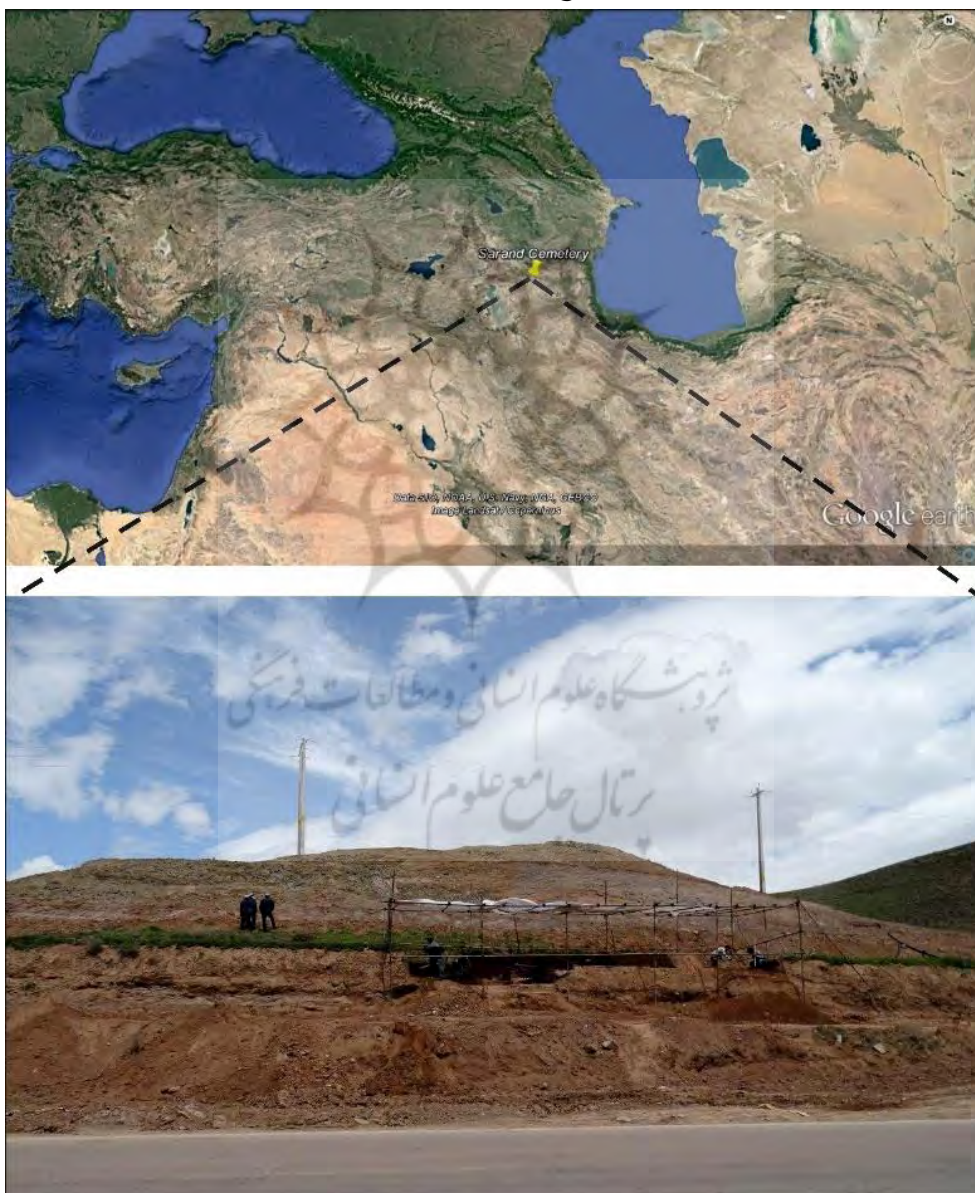
پیشینه پژوهش

اطلاعات مربوط به عصر آهن منطقه شمال‌غربی ایران عموماً متکی به فعالیت‌های باستان‌شناسی چند دهه اخیر هیئت‌های خارجی و ایرانی است. تاکنون در این منطقه گورستان‌هایی از دوران مختلف کاوش شده که بخشی از این گورستان‌ها متعلق به عصر آهن است، همچون محوطه حسنلو (Dayson, 1999)، دینخواه (Muscarella, 1974)، کردلر تپه (Lippert, 1976)، هفتوان تپه (Burney, 1972)، یانیک تپه (Burney, 1962)، برخی از گورهای شهرستان نمین (DeMorgan, 1905)، شهریری مشکین‌شهر (ابتهاج، ۱۳۸۳)، مسجد کبود تبریز (هژبری نوبری، ۱۳۸۴)، قلعه خسرو، خانقاه خلخال (رضالو، ۱۳۸۶)، گورهای کلان‌سنگی و کورگان‌های استان اردبیل (حصاری و علی‌یاری، ۱۳۹۰)، قلعه بوینو یوغون نیر (پورفرج، ۱۳۹۱)، خرم‌آباد مشکین‌شهر (رضالو، ۱۳۹۱)، قیزیل‌قیه مشکین‌شهر (حاجی‌زاده، ۱۳۹۳)، فخرآباد مشکین‌شهر (عبداللهی، ۱۳۹۸) و چالادیم خلخال (شایقی و ابراهیمی، ۱۴۰۱).

کاوش‌های باستان‌شناختی در گورستان‌های منطقه آرسباران ایران شناخت کلی از وضعیت ساختار معماری برخی از گورها و داده‌های فرهنگی آن ارائه کرده است.

است. این منطقه عموماً دارای مراتع مناسب برای چراگاه‌های عشایر منطقه است که در کنار آن فعالیت‌های کشاورزی رونق دارد. در تابستان سال ۱۳۹۷ طی اجرای پروژه جاده‌سازی اتوبان تبریز - ورزقان، بقایای چند گور آشکار گردید که پس از اخذ مجوزهای لازم عملیات کاوش باستان‌شناختی در این محوطه آغاز شد که در مجموع تعداد ۳۶ گور سالم و آشفته شناسایی و کاوش شد (ستارنژاد و همکاران، ۱۴۰۰).

ابعاد فعلی گورستان در راستای شرقی - غربی حدود ۵۰ متر و در راستای شمالی - جنوبی ۶ متر است. این گورستان در دامنه یک تپه طبیعی که با شیب ملایمی به جاده آسفالت تبریز - ورزقان منتهی می‌شود، واقع شده است. در گذشته تپه با شیب ملایمی به رودخانه حوری چای منتهی می‌شد که جاده ورزقان - تبریز قسمت‌های پایینی دامنه تپه را بریده و احتمالاً بخشی از گورها نیز در عملیات راه‌سازی در گذشته تخریب شده است. این ناحیه بخشی از پهنه فرهنگی منطقه آرسباران (قره‌داغ)



شکل ۱: موقعیت گورستان سَرند - دغدغان (نگارندگان، ۱۳۹۸)

کاوش گورستان سرنند - دغدغان

فصل نخست کاوش باستان‌شناختی گورستان سرنند - دغدغان در اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ آغاز شد. این گورستان به دلیل قرارگیری در مسیر راه ارتباطی شهر ورزقان به تبریز مورد آسیب قرار گرفت؛ بنابراین، هدف اصلی کاوش این گورستان از نوع کاوش‌های نجات‌بخشی آثار بود. در روند کاوش گورستان تعداد ۳۶ گور سالم و نیمه سالم شناسایی، کاوش و مستندنگاری علمی قرار گرفت (اسماعیلی عتیق و ستارنژاد، ۱۳۹۸: ۹۲). مواد فرهنگی گورهای اعم از داده‌های سفالی، فلزی و سنگی (مهره) به دقت مورد بررسی و مستندنگاری قرار گرفته‌اند. روش کاوش در این گورستان به شیوه لوکوس - فیچر بوده و تمامی داده‌های به دست آمده به صورت دقیق ثبت و ضبط شده‌اند. گورهای این گورستان به شیوه چهارچینه‌سنگی با سنگ‌های از نوع لاشه‌ای در ابعاد مختلف ایجاد شده‌اند. اجساد در این گورستان در حالت‌های مختلف جنینی، طاق باز و ثانویه دفن شده‌اند با این حال به دلیل اسیدی بودن خاک منطقه آثار اندکی از استخوان‌ها باقی مانده است. همین عامل باعث شده تا در رابطه با جنسیت و سن افراد نتوان نظر قطعی داد؛ با این حال مطابق هدایای تدفینی و ابعاد استخوان‌های باقی مانده تاحدودی وضعیت جنسیت و سن افراد قابل پیش‌بینی است. کمیت گورنهاده‌های (اشیای تدفینی) چون ظروف سفالی، اشیای فلزی (زیورآلات، جنگ‌افزار، کارابزار)، اشیای سنگی (مهره‌ها) و اشیای استخوانی به نظر می‌رسد متناسب با پایگاه اجتماعی افراد بوده است.

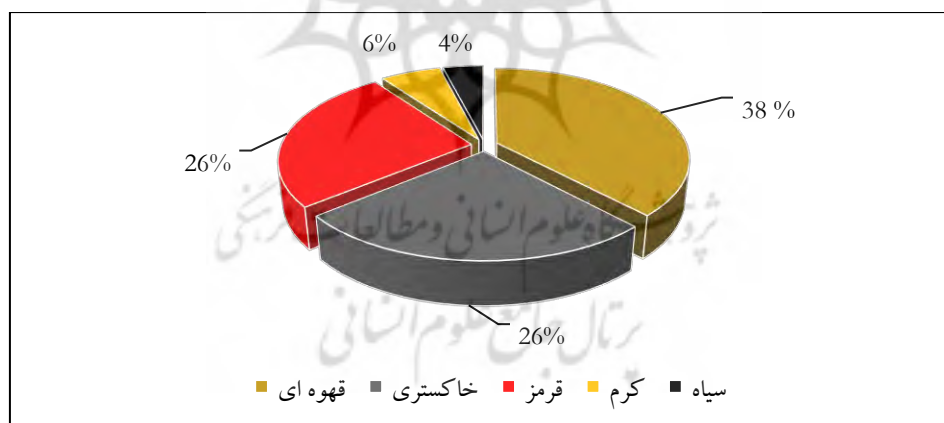
یافته‌های سفالی

در کاوش گورستان سرنند - دغدغان بیشترین تعداد گورنهاده متعلق به ظروف سفالی است. پراکندگی و

توزیع ظروف سفالی در داخل گورها یکسان نبود؛ به طوری که از داخل بعضی از گورها (گور شماره ۳) تعداد ۵ ظرف سفالی به دست آمد و در بعضی دیگر (گور شماره ۱) بدون ظرف سفالی است. ظروف سفالی عموماً در قسمت بالانه و به خصوص در اطراف سر قرار گرفته‌اند؛ به طوری که در گور شماره ۶ در زیر سر اسکلت یک ظرف سفالی دهانه باز قرار داده شده است. در گورهایی که اشیای سفالی در داخل آن قرار داده شده است؛ عموماً شامل ظروف سفالی گردن‌دار (پارچ) در کنار ظروف دهانه باز یا دهانه بسته است به طوری که ظروف گردن‌دار حدود ۴۰٪ از مجموع ظروف سفالی گورها را تشکیل می‌دهد. در مجموع، شمار ۵۲ ظرف سفالی کامل یا نزدیک به کامل از کاوش تعداد ۳۶ گور به دست آمد که تمامی سفال‌ها به غیر از دسته و الحاقاتی از این قبیل، تماماً با استفاده از چرخ سفالگری ساخته شده‌اند. از ویژگی‌های کلی ظروف سفالی این گورستان می‌توان به توجه یکسان سفال‌گر به کیفیت و استحکام سفال با تزئین و زیبایی آن اشاره کرد، به طوری که به لحاظ آماری از کل سفال‌ها (سالم و شکسته)، تعداد ۲۷ ظرف (۵۲٪) بدون هرگونه تزئین می‌باشد و تعداد ۲۵ ظرف سفالی (۴۸٪) دارای تزئین هستند که اکثر آن‌ها از نوع نقوش هندسی ساده و عموماً به صورت نقش کنده و گاه‌ها افزوده است (جدول ۱). این ظروف در طیف رنگی خاکستری، سیاه، قهوه‌ای روشن و تیره و قرمز بوده (شکل ۲) و از پخت کافی برخوردارند و دارای صیقل جزئی هستند. همچنین، شاموت تمامی سفال‌ها کانی (ماسه‌ریز) است.

جدول ۱: درصد فراوانی نقوش تزئینی سفال‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۹)

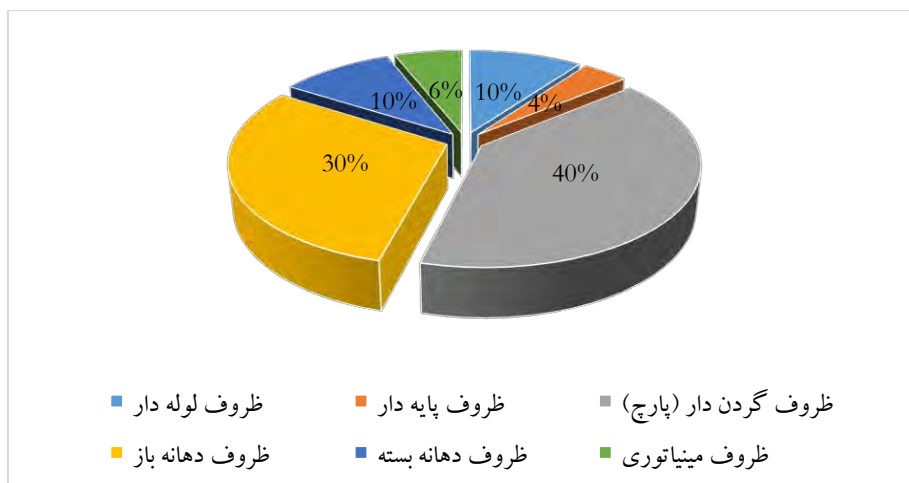
نوع تزئین	تصویر منتخب	گور (GR)	تعداد ظروف	درصد ظروف
کنده		۳۵	۲۵	۸۳
افزوده		۲	۴	۱۴
داغدار		۹	۱	۳



شکل ۲: درصد فراوانی طیف رنگ سفال‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۹)

آن‌ها انجام گرفته است. با توجه به اینکه تمام این ظروف در قبرها تا حدودی سالم مانده‌اند گونه‌شناسی و طبقه‌بندی آن‌ها نسبتاً آسان است. سفال‌های این دوره را می‌توان براساس شکل کلی آن‌ها به ۶ گروه تقسیم و درصد آماری آن‌ها را مشخص کرد (شکل ۳).

برای مشخص نمودن جایگاه داده‌های فرهنگی به‌خصوص سفال‌های گورستان سرند - دغدغان در عصر آهن می‌بایستی که با سایر محوطه‌های همزمان مقایسه شود. در این‌جا مقایسه ظروف سفالی براساس شکل ظاهری و فرم تا حد امکان اندازه و ابعاد تناسب میان اجزای ظروف سفالین، رنگ پوشش و ندرتاً تزئینات



شکل ۳: طبقه‌بندی اشکال ظروف سفالی (نگارندگان، ۱۳۹۸)

۱- طبقه‌بندی ظروف سفالی گورستان سرنند - دغدغان

براساس شکل ظاهری

۱-۱- ظروف لوله‌دار (آبریز)

ظروف لوله‌دار با لوله پیوسته تقسیم می‌شود. در کاوش گورستان سرنند - دغدغان تعداد ۵ (۱۰٪) ظروف سفالی لوله‌دار (آبریز) به دست آمده است (شکل ۳).

الف) ظروف لوله‌دار با آبریز ناپیوسته

این ظروف متشکل از ساقه و آبریز است. این گروه از سفال‌ها در کاوش گورستان سرنند - دغدغان تعداد ۲ ظرف سفالی کشف و شناسایی شد. پوشش این گروه نیز گلی رقیق بوده و از نظر متغیر رنگ پوشش در دو دسته خاکستری و قهوه‌ای تیره تقسیم می‌شوند. یکی از ظروف به صورت ساده و بدون تزئین بوده و دومی دارای تزئینات کنده هندسی است. این ظروف به صورت چرخ‌ساز ساخته شده و تنها دسته کوچک آن به صورت دست‌ساز است. ظرف لوله‌دار با لوله ناپیوسته گورستان سرنند - دغدغان از نظر شکل ظاهری به خصوص فرم لوله با نمونه‌های از محوطه گوی‌تپه A (Burton-Brown, 1951: fig. 36)، خورون (Young, 1965: 85, fig. 9)، هفتوا تپه V (Burney, 1970: 170)، دینخواه III (Muscarella, 1974: 45-47)، مسجد کبود تبریز (هژبری نوبری، ۱۳۸۴: ۲۷۳، تصویر ۱ و ۳)، مارلیک، قیطره تهران (کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۱۶۰)، حاجی فیروز (ماسکارلا، ۱۳۸۳: ۷۴)، قیزیل بورون (Seyidov, 2003: 43)، یورتچو جمهوری آذربایجان (Baxşəliyev, 2003: 43).

ظروف لوله‌دار که از نظر سبک بسیار موزون و متناسب ساخته شده‌اند، یکی از زیباترین شکل‌های ظروف دوران پیش از تاریخ ایران است و اولین نشانه استفاده از لوله در ظروف سفالین از تپه اهرنجان کشف شده که مربوط به هزاره ششم و هفتم ق.م. است (طلایی، ۱۳۸۹: ۱۵۸)، با این حال ظروف لوله‌دار از ظروف شاخص عصر آهن محسوب می‌شود ولی آنچه ظروف لوله‌دار این دوره را متمایز می‌سازد اهمیت و تأکید بر مجموعه لوله که معمولاً اندازه و شکلی اغراق‌آمیز دارند و به نوعی مهم‌ترین و چشم‌گیرترین قسمت تشکیل دهنده این ظرف‌هاست. همچنین، این ظروف عموماً از گورهای عصر آهن به دست آمده است و از همین رو به نظر می‌آید در آیین‌ها و سنت‌های تدفین مردمان آن عصر جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند (نقشینه، ۱۳۸۳: ۳۵). این نوع ظروف اگرچه از نظر شکل کلی شباهت زیادی به یکدیگر دارند و در یک گروه جای می‌گیرند، با این حال از نظر جزئیات شکل قسمت‌های مختلف تنوع زیادی در میان آن‌ها دیده می‌شود. ظروف لوله‌دار عصر آهن در دو گروه زیر قابل مطالعه است: الف) ظروف لوله‌دار با لوله ناپیوسته، ب)

با آبریز ناپیوسته یکی از ظروف شاخص عصر آهن I می‌باشد که در طول این دوره در قسمت‌های وسیعی از نَجَد ایران همچون محوطه مارلیک (Negahban, Overlaet, 2005: 96 fig. 25)، پشتکوه لرستان (Overlaet, 2005: 27)، تپه صرم (پورفرج، ۱۳۸۶: ۴۸۷)، قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۸۶)، کلورز (خلعتری، ۱۳۷۶)، جیران تپه ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۸۲)، خورون (Vanden Berghe, 1964)، جمشیدآباد گیلان (فلاحیان، ۱۳۸۰) و محوطه‌های زیادی در سایر نواحی ایران رواج داشته است. در گورستان سرند همانند گورستان مسجد کبود این ظروف در کنار ظروف لوله‌دار با آبریز پیوسته یکی از شاخصه‌های اصلی عصر آهن II نشان از استمرار این ظروف در یک مقطع زمانی از دوره دوم آهن در این محوطه است.

۱-۲- ظروف پایه‌دار

این ظروف بعضاً با نام ظروف میوه‌خوری نامیده شده است (هژبری نوبری، ۱۳۸۴: ۲۶۸). ظروفی که به وسیله سه عدد پایه، حالت ایستایی به آن‌ها داده شده از هزاره دوم ق.م. در مناطق و محوطه‌های مختلف ایران استفاده شده است. با آغاز عصر آهن استفاده از ظروف سه پایه گسترش بیشتری پیدا کرده و همچنین، تنوع بیشتری در اشکال و جزئیات آن ایجاد شده است (حاتمی، ۱۳۸۴: ۱۶). این شکل از ظرف تنها دو عدد (۴٪) ظروف سفالی گورستان سرند - دغدغان را تشکیل می‌دهد (شکل ۳). این ظروف به روش چرخ‌ساز و پایه‌ها و دسته دست‌ساز است. ظروف دارای پوشش گلی غلیظ به رنگ قرمز بوده و صیقل جزئی دارد. این ظروف به صورت ساده و منقوش بوده و نوع منقوش آن دارای تزیینات کنده نیشگونی است. این فرم ظروف با برخی از ظروف به‌دست آمده از محوطه گوی تپه (Burton-Brown, Vandenberghe, 1951: 64, fig)

38: 2008)، گورستان بایزیدآباد نقده (خان‌محمدی، ۱۳۸۹: ۷۴، شکل ۸، ۱۴)، حسنلو V (Danti, 2013: 198)، برخی محوطه‌های جمهوری نخجوان (Halilov, 2014: 68) قابل مقایسه است.

ب) ظروف لوله‌دار با آبریز پیوسته

ظروف لوله‌دار پیوسته که متشکل از ساقه، آبریز و پل هستند. این گروه از سفال‌ها تعداد ۳ ظروف سفالین این محوطه را شامل می‌شود. پوشش این گروه نیز گلی رقیق و از نظر متغییر رنگ پوشش به سه دسته خاکستری، سیاه و نخودی تقسیم می‌شوند. این ظروف به صورت ساده و فاقد تزیین بوده و تنها قسمت آبریز یک برجستگی کوچک تعبیه شده است. ظروف مذکور به صورت چرخ‌ساز بوده و دارای صیقل جزئی است. ظروف لوله‌دار با آبریز پیوسته گورستان سرند - دغدغان شباهت بسیاری با ظروف محوطه حسنلو IV (Dayson, 1999: 116; Danti and Cifarelli, 2015: 66-70)، دینخواه II (Muscarella, 1974: 66-70)، هفتوان تپه IV (Burton Brown, 1970: 170)، گوی تپه B (Burton Brown, 1951: 1032, Fig. 38)، کلاردشت مازندران (فهیمی، ۱۳۸۱: ۱۶۵)، مسجد کبود (هژبری نوبری، ۱۳۸۴: ۲۷۳)، تصویر ۴ و ۵)، گورستان سنندج (Amelirad et al., 2012: 82)، بایزیدآباد نقده (خان‌محمدی، ۱۳۸۹: ۷۴، شکل ۸، ۱۳)، قره تپه سگزآباد (ده‌پهلوان و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸۲) و تپه صرم (کاوسی و سرلک، ۱۳۹۸: ۳۶۵، تصویر ۷) قابل مقایسه است.

هرچند ظروف لوله‌دار این محوطه به دو گروه اصلی ظروف لوله‌دار با آبریز پیوسته و ظروف لوله‌دار با آبریز ناپیوسته تقسیم می‌شوند، با این حال جزئیاتی به لحاظ شکل بدنه، لبه، محل اتصال آبریز به لبه - بدنه و غیره در آن‌ها به کار رفته که شاید بیانگر ذوق و سلیقه هنرمندان سفالگر باشد. نکته حائز اهمیت اینست که ظروف لوله‌دار

(Negahban, 1996)، تالش (خلعبری، ۱۳۸۷: ۲۰۷)،
قره تپه سگزآباد (ده‌پهلوان و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸۲)،
نخجوان (Halilov, 2014: 56)، شاه تختی (Seyidov,)
Badalian and (2003: 44, Şekil 56)، تالیان ارمنستان
(Avetisian, 2007: 254) است.

۱-۴- ظروف دهانه‌باز (کاسه، دیس)

یکی از فرم‌های ظروف سفالی کاسه‌هاست که با تعداد
۱۵ (۳۰٪) ظرف سفالی مکشوفه از این محوطه را شامل
می‌شود (شکل ۳)، این ظروف از نظر شکل به دو گروه
تقسیم می‌شود:

گروه الف) کاسه‌هایی با لبه ساده و بدنه‌ای محدب و یا
کشیده است که این ظروف ساده و عموماً فاقد تزئین
می‌باشد. در بعضی موارد در زیر لبه این ظروف دو
سوراخ کوچک به تنهایی و یا به همراه یک برجستگی
هلالی شکل ایجاد شده است. این ظروف قابل مقایسه با
نمونه‌های دینخواه III، حسنلو V، هفتوان V، گوی تپه
B، حاجی فیروز (ماسکارالا، ۱۳۸۳: ۷۴)، مسجد کبود
(هژبری نوبری، ۱۳۸۴)، شهریری (پورفرج، ۱۳۸۶:
۳۷۶)، مارلیک (Negahban, 1996: 96, fig. 27)، قره
تپه سگزآباد (ده‌پهلوان و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸۴)، شور تپه
(Baxşəliyev, 2008: 38)، نخجوان (Halilov, 2014:)
51)، چاتاگ آئاتولی (Kuvañç et al., 2016: 190)،
هستند.

گروه ب) کاسه‌هایی با لبه مقعر و بدنه زاویه‌دار است که
در بعضی موارد روی لبه این ظروف شیاریهایی دیده
می‌شود. این ظروف قابل مقایسه با محوطه لاریجان
خداآفرین (هژبری نوبری، ۱۳۸۷: ۲۴)، حسنلو IV
(Young, 1965: 85, fig 7)، کورگان‌های جعفرآباد
خداآفرین (ایروانی قدیم، ۱۳۸۹: ۱۵۵-۱۴۳)، گورستان
کاراگوندوز (Koroglu and Konyar, 2008: 138)،
چاتاگ ترکیه (Kuvañç et al., 2016: 186)، دینخواه

(181)، دینخواه II (Muscarella, 1974: 35-90, fig)
(44)، پردیس قرچک (Fazeli et al., 2007: 33, fig)
(17)، مسجد کبود (هژبری نوبری، ۱۳۸۳: ۲۷۴)، قیطره
(کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۱۵۳)، مونجوقلو تپه جمهوری
آذربایجان (Seyidov, 2003: 43, Şekil 70)، نخجوان
(Halilov, 2014: 60)، حسنلو IV (Danti and)
(Cifarelli, 2015: 124)، قابل مقایسه است.

۱-۳- ظروف گردن‌دار (پارچ شکل) با دسته

یکی دیگر از فرم ظروف سفالی گردن‌دار (پارچ) است
که با تعداد ۲۰ (۴۰٪) ظروف سفالی محوطه را تشکیل
می‌دهد. این ظروف که احتمالاً شکل تغییر شکل یافته
لیوان‌های پایه‌دار عصر آهن I باشند. شکل بدنه‌های این
ظروف غالباً کروی شکل است که در اندازه این ظروف
متفاوت ساخته شده‌اند. دسته حلقوی بزرگ، بعضاً زائده
فوقانی دکمه‌ای و یا نیشگونی شکل که بالاتر از دهانه
ظرف قرار می‌گیرد. بعضی از ظروف گورستان سرند
دارای تزئینات کنده نواری و هندسی است. این ظروف
در طیف رنگی قهوه‌ای روشن و تیره، قرمز، خاکستری و
سیاه هستند و دارای پوشش گلی غلیظ و بعضاً رقیق
می‌باشد. سطح ظروف عموماً دارای صیقل جزئی است و
به استثنای دسته که به صورت دست‌ساز می‌باشد ظروف
با تکنیک چرخ سفالگری ساخته شده‌اند. به‌طور کلی
ظروف گردن‌دار یا پارچی شکل از جمله فرم‌های رایج
عصر آهن که دارای کف تخت هستند و دسته آن‌ها
دارای یک برجستگی کوچکی در قسمت فوقانی دسته
است. این ظروف قابل مقایسه با نمونه‌های محوطه گوی
تپه (Burton Brown, 1951: pl xlll. 28)، دینخواه II
(Muscarella, 1974: 90, fig 44)، حسنلو IV
(Young, 1965: 53-85, fig 7)، هفتوان IV (Burney,)
(1972: pl. va)، مسجد کبود (هژبری نوبری، ۱۳۸۳:
۲۷۴)، شهریری (پورفرج، ۱۳۸۶: ۳۳۷)، مارلیک

مارلیک (Negahban, 1996:96, fig. 24)، قیطره (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۹۶)، روار هورامان (قسیمی و همکاران، ۱۳۹۸: تصویر ۱۵)، قره تپه سگزآباد (ده‌پهلوان و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸۴)، شاه‌تختی (Baxşaliyev, 2008:38)، نخجوان (Halilov, 2014: 55)، مونجوقلو تپه (Seyidov, 2003: 203, Şekil 70)، کاراگوندوز (Koroglu and Konyar, 2008: 142)، چاتا ک (Kuvanç et al., 2016: 177)، قابل مقایسه است.

۱-۶- ظروف مینیاتوری

ظروف مینیاتوری یا ظروف بسیار کوچک که از لحاظ شکل متنوع و ناهمگون هستند. این نوع از ظروف به دلیل ابعاد کوچکی که دارند بیشتر بانام ظروف مینیاتوری معروف شده‌اند. در گورستان سرند تعداد ۲ (۶٪) ظرف سفالی شناسایی شد که به دلیل ابعاد کوچک آن‌ها، در گونه‌شناسی سفال‌های مجموعه، نام ظروف مینیاتوری اختصاص داده شد. این ظروف به صورت پیاله‌های کوچک و آبخوری قابل مشاهده است. این ظروف در طیف رنگی قهوه‌ای روشن و آجری قابل مشاهده است. ظروف چرخ‌ساز بوده و شاموت آن کانی (شن ریز) است. پوشش ظروف به صورت گلی رقیق و بدون صیقل می‌باشد (جدول ۲).












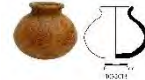



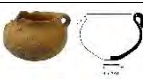



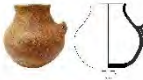











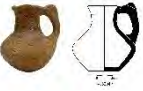

II (Muscarella, 1966: 191)، گوی تپه (Burton-Lippert, 1951: pl xlll. 28)، کردلر تپه (Brown, 1951: pl xlll. 28)، مسجد کبود (هژبری نوبری، ۱۳۸۴: ۱۳۸۴)، (1976: abb. 13.5)، است. (۲۷۲)



















۱-۵- ظروف دهانه بسته (خمیره، کوزه)

این ظروف شامل ظرف‌هایی است که لبه به درون متمایل بوده و ارتفاع ظرف از قطر دهانه بیشتر است. این نوع ظروف را عموماً در گزارش‌ها با اسامی خمیره، دیگچه، کوزه و غیره معرفی کرده‌اند. این ظروف که تعداد ۵ مورد (۱۰٪) از کل سفال‌های این مجموعه را تشکیل می‌دهد و دارای پوشش گلی رقیق به رنگ قهوه‌ای روشن می‌باشند. یکی از ظروف دارای نقش برجسته طنابی است. نمونه‌های از این نقش در برخی محوطه‌های دوران مفرغ میانی و جدید مانند محوطه شهریری (پورفرج، ۱۳۸۶: ۳۳۸)، گوی تپه A (Burton Brown, 1951)، کورگان بوز کورت (Özfiat, 2009: 245) قابل مشاهده است. استفاده از این نقوش روی ظروف گورستان سرند - دغدغان می‌تواند نشانگر تسلسل فرهنگی از مفرغ به آهن نیز باشد.

اشکال این ظروف قابل مقایسه با برخی از ظروف محوطه حسنلو IV (Danti and Cifarelli, 2015: 124)، دینخواه II (Muscarella, 1966: 191, fig 47)،

جدول ۲: اشکال ظروف سفالی گورستان سرند - دغدغان (نگارندگان، ۱۳۹۸)

ظروف سفالی گورستان سرند - دغدغان					
ظروف لوله‌دار (آبریز)	ظروف پایه‌دار	ظروف گردن‌دار (پارچ)	ظروف دهانه باز (کاسه / دیس)	ظروف دهانه بسته (خمیره، کوزه)	ظروف مینیاتوری
 GR. 1	 GR. 2	 GR. 2	 GR. 3	 GR. 2	 GR. 3
 GR. 6	 GR. 22	 GR. 7	 GR. 3	 GR. 10	 GR. 3
 GR. 20		 GR. 8	 GR. 3	 GR. 16	
 GR. 32		 GR. 8	 GR. 6	 S.GR. 5	
 S.GR. 11		 GR. 9	 GR. 21	 GR. 13	
 S.GR. 10		 GR. 9	 GR. 24		
		 S.GR. 13	 GR. 28		
		 GR. 14	 GR. 32		
		 GR. 16	 GR. 33		

		 GR. 24	 GR. 20		
		 S.GR. 1	 GR. 21		
		 S.GR. 3	 GR. 22		
		 S.GR. 8	 GR. 35		
		 S.GR. 12	 GR. 36		
		 GR. 21	 GR. 28		
		 GR. 33	 GR. 33		
			 GR. 28		
			 GR. 24		
			 GR. 10		
			 GR. 23		

(GR. 6, GR. 7, GR. 8, GR. 10, GR. 19, GR. 21,)
 I (GR. 22, GR. 23, GR. 24, GR. 28) متعلق به آهن I و تعداد ۴ گور نامشخص است. شباهت‌های بسیاری میان داده‌های فرهنگی گورهای عصر آهن II این محوطه اعم از سفال، اشیای فلزی، مهره‌های سنگی، طرز تدفین و ساختار معماری گورها (به صورت خشکه‌چین با سنگ-های از جنس لاشه‌ای)، با سایر گورهای عصر آهن I در این گورستان وجود دارد که این مسأله می‌تواند نوعی پیوستگی فرهنگی میان آهن I به آهن II در این گورستان باشد. این محوطه پیش از رواج سفال‌های آهن III نخودی با نقوش مثلثی که نمونه‌هایی از آن در حسنلو IIIB، زیویه، یانیک تپه (Summers and Boney, 2012)، قلعه خضرلو (Kroll, 1976: 22)، زندان سلیمان (Thomalsky, 2006: 254, fig a 9)، قلعه قوناق قیران (ولدیگی، ۱۳۹۰: ۶۱)، قلعه باری (Binandeh et al., 2017: 9) و غیره رواج پیدا کرده است، متروک می‌شود؛ بنابراین، گاهنگاری این گورستان را با احتیاط می‌توان بین ۱۲۰۰ تا ۸۰۰ ق.م در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

همان طوری که در متن مقاله اشاره شد پهنه فرهنگی شمال غربی ایران در عصر آهن با سه نوع استقرار قابل مطالعه است. برخی از گورستان‌های این منطقه بدون ارتباط با محوطه‌های استقرار یافته که عموماً متعلق به جوامع کوچ‌رو است. با توجه به اینکه این جوامع به دلیل زندگی چادرنشینی، فاقد معماری خاصی هستند، بنابراین تنها اثر معماری برجای مانده از آن‌ها، گورهاست. مطالعه گورهای این فرهنگ نشان می‌دهد که آن‌ها به زندگانی پس از مرگ اعتقاد داشته‌اند و کیفیت و کمیت گورنهادهای تدفینی می‌توانست نشانگر طبقاتی بودن جامعه آن‌ها باشد. گورستان‌های زیادی در این پهنه فرهنگی پراکنده هستند که گورنهادهای فرهنگی

گاهنگاری ظروف سفالی گورستان سَرنَد - دغدغان

گاهنگاری گورستان سَرنَد - دغدغان استان آذربایجان شرقی براساس مطالعه ظروف سفالی به‌دست آمده از کاوش این گورستان و مقایسه آن با دیگر محوطه‌های کاوش شده مناطق مختلف داخل ایران و خارج ایران چون محوطه گوی تپه A و B (Burton Brown, 1951)، حسنلو V و IV (Danti, 2013)، دینخواه III و II (Muscarella, 1974: 45-47)، کردلر تپه (Lippert, 1976: abb. 13.5)، هفتوان تپه V و IV (Burney, 1970: 170؛ Talai and Aliyari, 2009)، مسجد کبود (هژبری نوبری، ۱۳۸۴)، جعفرآباد (ایروانی قدیم و ممی‌زاده، ۱۳۹۱)، خورون (Young, 1965: 85, fig 5)، مارلیک (Negahban, 1996: 96, Fig. 25)، کلاردشت (فهمی، ۱۳۸۱: ۱۶۵)، جیران تپه ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۸۲)، قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۱۵۳)، حاجی فیروز (ماسکارالا، ۱۳۸۳: ۷۴)، پردیس قرچک (Fazeli et al., 2007: 33-35, fig 17) شهریری (پورفرج، ۱۳۸۶)، تالش (خلعتبری، ۱۳۸۷)، گورستان سنندج (Amelirad et al., 2012: 82)، بایزید آباد (خان‌محمدی، ۱۳۸۹: ۷۴، شکل ۸، ۱۴)، روار هورامان (قسیمی و همکاران، ۱۳۹۸: تصویر ۱۵)، قره تپه سگزآباد (ده‌پهلوان و همکاران، ۱۳۹۸)، تپه صرم (کاوسی و سرلک، ۱۳۹۸)، قیزیل بورون و مونجوقلوتپه (Seyidov, 2003)، یورتچو (Baxşəliyev, 2008: 38)، نخجوان (Halilov, 2014: 68)، کاراگوندوز (Koroglu and 2008: 142)، چاتاک ترکیه (Konyar, Badalian and Avetisian, 177)، تالیان ارمنستان (Badalian and Avetisian, 2007: 257) و غیره است. نتایج مقایسه این سفال‌ها با نمونه‌های بالا؛ نشان می‌دهد مواد فرهنگی گورستان سَرنَد - دغدغان متعلق به عصر آهن I و II است که تعداد ۲۳ گور (GR. 1-3, GR 9, GR. 11-17, GR. 20, GR. 29-36, GR. 25-27)، متعلق به آهن II و تعداد ۱۰ گور

به‌دست آمده از گورهای کاوش شده نشان از شباهت‌های نسبی نزدیک میان این گورهاست. مطالعه مقدماتی تعداد ۵۲ ظرف سفالی (سالم یا نیمه سالم) گورستان سرند - دغدغان نکات زیر را نشان می‌دهد: گورنهادها به‌خصوص داده‌های سفالی از نظر پراکندگی در داخل گورها در قسمت بالاتنه به خصوص اطراف سر متوفی قرار گرفته‌اند. ظروف داخل گورها عموماً از نظر شکل (حدود ۴۰٪) شامل ظروف گردن‌دار (پارچ) و ظروف دهانه باز (دیس و بشقاب) است. این ظروف بعضاً در کنار سایر ظروف همچون ظروف دهانه بسته، ظروف پایه‌دار و ظروف لوله‌دار قرار گرفته‌اند. این ظروف به‌طور کامل با چرخ سفالگری ساخته شده‌اند و تنها قسمت دسته و الحاقات از قبیل پایه و برخی تزئینات دست‌ساز است. اگرچه اغلب ظروف سفالی مطالعه شده بدون تزئین بوده با این‌حال، برخی از ظروف دارای تزئیناتی از نوع نقش کنده، داغدار و افزوده طنابی است. ظروف در طیف رنگی قهوه‌ای (۳۸٪)، قرمز (۲۶٪)، خاکستری (۲۶٪)، سیاه (۴٪)، کرمی (۶٪) است. این تنوع رنگ در سفال‌ها نشان می‌دهد که ظروف سفالی خاکستری‌رنگ تنها ۲۶٪ درصد از داده‌های سفالی این محوطه را تشکیل می‌دهد. این مسئله می‌تواند در تحلیل و تفسیر موضوع سفال خاکستری با فرضیه مهاجرت یا عدم مهاجرت (استمرار فرهنگی) مورد مطالعه قرار گیرد.

ظروف سفالی لوله‌دار که از نوع سفال‌های شاخص عصر آهن است در ۵ گور شناسایی شده است. این ظروف سفالی در دو گونه با آبریز ناپیوسته و پیوسته قابل دسته‌بندی است. ظروف آبریز ناپیوسته عموماً قابل مقایسه با نمونه‌های از محوطه‌های عصر آهن I محوطه حسنلوی ۷، دینخواه III، مسجد کبود، حاجی فیروز، کردلر تپه، قره تپه و غیره است. این ظروف در گور شماره ۲۲ (GR. 22)، در کنار ظرف سفالی پایه‌دار با پایه کوچک قرار دارد و در سایر گورها در کنار ظروف

دهانه باز قرار گرفته‌اند. ظروف سفالی با آبریز پیوسته در ۳ گور شناسایی شده است. این ظروف در کنار ظرف‌های گردن‌دار قرار گرفته‌اند و قابل مقایسه با نمونه‌هایی از حسنلوی IV، دینخواه II، مسجد کبود، تپه صرم، بایزیدآباد و غیره است که گاهنگاری نسبی متعلق به آهن II است. به‌طور کلی، مقایسه ظروف سفالی گورستان سرند - دغدغان با محوطه‌های عصر آهن مناطق مختلف ایران و خارج از ایران، نشان می‌دهد که گاه‌شناختی گورهای گورستان سرند - دغدغان متعلق به عصر آهن I و II است که تعداد ۱۰ گور (GR. 6, GR. 7, GR. 8, GR. 10, GR. 19, GR. 21, GR. 22, GR. 23, GR. 24, GR. 28) متعلق به عصر آهن I و ۲۳ گور (GR. 1-3, GR. 9, GR. 11-17, GR. 20, GR. 25-27, GR. 29-36)، متعلق به آهن II و تعداد ۴ گور نامشخص است. همچنین، مطالعه و طبقه‌بندی مجزی داده‌های فرهنگی، ساختار معماری و سنت تدفینی گورهای دو دوره (آهن I و II) نشان می‌دهد که استمرار فرهنگی میان گورهای عصر آهن I به عصر آهن II وجود دارد.

پی‌نوشت

۱- با توجه به اینکه اصطلاحاتی همچون کاسه، کوزه، پارچ و غیره بیشتر سلیقه‌ای به نظر می‌رسد، در پژوهش حاضر، از به‌کار بردن این اسامی اجتناب شده است و اشکال ظروف را براساس شکل ظاهری و حالت گردن و دهانه به دسته‌های مختلف تقسیم‌بندی شده است.

۲- نام محوطه توسط نگارندگان به دلیل نزدیکی و قرارگیری میان دو روستای سرند (Sarand) و دغدغان / داغداغان (Daghdaghan) به این نام انتخاب شد.

منابع

ابتهاج، ویدا (۱۳۸۳). بررسی ساختار معماری قبور مگالیتیک عصر آهن ایران مطالعه موردی محوطه

خان‌محمدی، بهروز (۱۳۸۹). مقبره‌ای از عصر آهن در بایزید آباد نرده آذربایجان غربی. باستان‌پژوهی، ۱ (۸)، ۷۶ - ۶۷.

خلعتبری، محمدرضا (۱۳۷۶). کاوش در کلورز. یادنامه گردهمایی باستان‌شناسی شوش، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

خلعتبری، محمدرضا (۱۳۸۷). کاوش‌های باستان‌شناسی در حوزه فرهنگی تالش. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.

ده‌پهلوان، مصطفی، جاهد، مهدی، تازی‌ک، عمار، محمدخانی، کوروش و فرنام، الهام (۱۳۹۸). تراشه ۱۳، نویافته غربی عصر آهن ۲ و ۳ قره تپه سگزآباد. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی عصر آهن ایران، ۳۷۰-۳۹۰.

رضا، رضالو (۱۳۹۱). گزارش کاوش گورستان خرم‌آباد مشکین‌شهر. تهران: پژوهشکده میراث فرهنگی (منتشر نشده).

رضالو، رضا (۱۳۸۶). گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش در گورستان خاتقاه گیلوان. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

ستارنژاد، سعید، اسماعیلی عتیق، حسین، رحمت پور، محمد، ژاله اقدم، جواد، توحیدی، محسن (۱۴۰۰). گزارش مقدماتی فصل نخست کاوش باستان‌شناختی گورستان سَرند-دغدغان آذربایجان شرقی. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۳۰ (۱۱)، ۱۰۰-۷۳.

شایقی، رضا، ابراهیمی، قادر (۱۴۰۱). گزارش کاوش گورستان چالا دیم شال خلخال. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

طایقه قهرمانی، نسرين، پاشازاده، پاشا (۱۳۹۸). گزارش کوتاه فصل دوم عملیات نجات بخشی (کاوش) سد پیغام چای شهرستان کلبر استان آذربایجان شرقی. مجموعه

شهریری در استان اردبیل. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

اسماعیلی عتیق، حسین، ستارنژاد، سعید (۱۳۹۸). گزارش کاوش گورستان سَرند، شواهدی از عصر آهن، مجموعه مقالات کوتاه هفدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی، ۹۵-۹۲.

ایروانی قدیم، فرشید، ممی‌زاده گیگلو، سلیمان (۱۳۹۱). گونه‌شناسی و معرفی سفال‌های عصر آهن کورگان‌های جعفرآباد خداآفرین. مطالعات باستان‌شناسی، ۴ (۲)، ۵۰-۳۳.

آجرلو، بهرام، عسگرپور، وحید (۱۳۹۱). سنت سفالگری ناحیه خداآفرین و نظریه پویایی فرهنگی عصر آهن. مطالعات باستان‌شناسی، ۴ (۲)، ۱۲-۱.

پورفرج، اکبر (۱۳۸۶). بازنگری عصر آهن شمال غرب ایران مطالعه موردی محوطه شهریری اردبیل و قلاع اقماری. رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

پورفرج، اکبر (۱۳۹۱). تبیین و گاه‌نگاری فرهنگ کورگان‌های شرق شمال غرب ایران؛ براساس بررسی و کاوش در قلعه بونی یوغون نیر. مطالعات باستان‌شناسی، ۴ (۵)، ۵۹-۸۱.

حاتمی، الناز (۱۳۸۹). گونه‌شناسی ظروف سفالین سه پایه عصر آهن در ایران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی. دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران.

حاجی‌زاده، کریم (۱۳۹۳). گزارش کاوش گورستان قیزیل قیه مشکین‌شهر. تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

حصاری، مرتضی، علی‌یاری، احمد (۱۳۹۱). مطالعه و گونه‌شناسی قبور کلان‌سنگی و تپه‌ای (کورگان) استان اردبیل. مطالعات باستان‌شناسی، ۱ (۴)، ۱۳۰-۱۱۳.

ماسکارلا، اسکار وایت (۱۳۸۳). شمال غرب ایران در گذر از عصر مفرغ به آهن. ترجمه علی اکبر وحدتی، باستان‌پژوهی، ۶ (۱۲)، ۸۳-۶۲.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۲). گزارش مقدماتی چهارمین فصل کاوش باستان‌شناختی در محوطه ازبکی شهرستان ساوجبلاغ. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

ناصری صومعه، حسین، هژبری نوبری، علیرضا، کریمی، حمید، نریمانی، مصیب (۱۳۹۸). گورستان قلعه بونو نیافته‌های از فرهنگ‌های هزاره دوم ق.م در شمال غرب ایران. مجموعه مقالات هفتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی، ۱۹۷.

نقشینه، امیرصادق (۱۳۸۳). طبقه‌بندی کوزه‌های لوله‌دار عصر آهن و پراکندگی مکانی و زمانی آن‌ها. پیام باستان‌شناسی، ۱ (۱)، ۵۲-۳۵.

نیکنمی، کمال‌الدین، مهدی کاظم‌پور (۱۳۹۰). گزارش باستان‌شناسی گمانه‌زنی و تعیین حریم محوطه زردخانه. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان آذربایجان شرقی.

ولدبیگی، ثروت (۱۳۹۰). بررسی روشمند قلعه قوناق قیران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی. دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.

هژبری نوبری، علیرضا (۱۳۸۴). جایگاه کاوش‌های مسجد کبود تبریز در عصر آهن ایران و مقایسه آن با سایر محوطه‌های هم عصر. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران شمال غرب، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

Amelirad, S., Overlaet, B., and Haerinck, E. (2012). The Iron Age "Zagros Graveyard" near Sanandaj (Iranian Kurdistan): Preliminary Report on the First Season. *Iranica Antiqua*, 47, 41-99.

مقالات کوتاه گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران. جلد دوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۸۱۶-۸۲۵.

طلایی، حسن. (۱۳۸۹). عصر آهن ایران. تهران: سمت. عبدلهی، سیاوش (۱۳۹۸). گزارش کاوش کورگان فخرآباد. تهران: پژوهشگاه باستان‌شناسی.

فلاحیان، یوسف (۱۳۸۰). بررسی تحلیلی داده‌های گورستان عصر آهن جمشیدآباد گیلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

فهیمی، سید حمید (۱۳۸۱). فرهنگ عصر آهن در کرانه‌های جنوب غربی دریای خزر از دیدگاه باستان‌شناسی. تهران: سمیرا.

فیض‌خواه، محمد (۱۳۹۷). کاوش اضطراری کورگان روستای آبلو شهرستان اهر. مجموعه مقالات کوتاه شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش روح‌اله شیرازی، پژوهشگاه میراث فرهنگی، ۳۸۰-۳۸۳.

قسیمی، طاهر، اکبری، مسعود، قسیمی، آکام (۱۳۹۸). کاوش نجات بخشی گور عصر آهن روار، حوضه رودخانه سیروان هورامان کردستان. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی عصر آهن در غرب ایران و مناطق همجوار، تهران، موزه ملی ایران، ۸۵-۶۳.

کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۸۶). سفال و سفالگری در ایران. تهران: ققنوس.

کاوسی، عمار، سرلک، سیامک (۱۳۹۸). کاوش‌های تپه صرم مدارک نوین در ارتباط با تنوع معماری قبور. مجموعه مقالات باستان‌شناسی عصر آهن ایران، ۳۶۷-۳۵۹.

کیانی، محمد یوسف (۱۳۵۷). سفال ایرانی بررسی سفالینه‌های ایرانی. تهران: نخست وزیری.

- KUVANÇ, R., Ayaz, G., IŞIK, K., Erdoğan, S., and GENÇ, B. (2016). A New Iron Age Chamber Tomb near Çatak, South of Van Lake. *Ancient Near Eastern Studies*, 53, 149-194.
- Lippert, A. (1976). Vorbericht der österreichischen Ausgrabungen am Kordlar-Tepe in Persisch-Aserbaidshon: Kampagne 1974. *Mitteilungen der Anthropologischen Gesellschaft in Wien*, 106, 83-112.
- Muscarella, O. W. (1974). The Iron Age at Dinkha Tepe, Iran. *Metropolitan Museum Journal*, 9, 35-90.
- Negahban, E. O. (1996). *Marlik: the complete excavation report* (Vol. 87). UPenn Museum of Archaeology.
- Overlaet, B. (2005). The chronology of the Iron Age in the Pusht-i Kuh, Luristan. *Iranica Antiqua*, 40, 1-33.
- Özfirat, A. (2009). "Excavation of Bozkurt (on the skirt of Mt. Ağrı) Kurgan Cemetery, 2007: First Preliminary Report", *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan*, 41, 233-247.
- Seyidov, A. (2003). Naxçıvan e. ə. VII-II minilliklərdə. *Bakı: Elm*.
- Summers, G. D., and Burney, C. A. (2012). Late Iron Age pottery from Northwestern Iran. The evidence from Yanik Tepe. In *The proceedings of the Seventh Anatolian Iron Ages Colloquium held at Edirne, 19-24 April 2010*, Peeters. 269-315.
- TALA'I, H., and Aliyari, A. (2009). Haftavan IV (Iron II) settlement cemetery: NW-Iran, Azerbaijan. *Iranica Antiqua*, 44, 89-112.
- Thomalsky, J. (2006). Die Eisenzeitliche Keramik von Zendan-e Suleiman in Iranisch Azarbaijan. *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan*, 38, 219-89.
- Vanden Berghe, L. (1964). La nécropole de Khürvîn. *Uitgaven van het Nederlands Historisch-Archeologisch Instituut te Istanbul*.
- Young Jr, T. C. (1965). A comparative ceramic chronology for Western Iran, 1500-500 BC. *Iran*, 3(1), 53-85.
- Badalian, R. S., and Avetisian, P. (2007). Bronze and Early Iron Age Archaeological Sites in Armenia.
- Binandeh, A., Khanmohamadi, B., and Hajimohamadi, K. (2017). The Iron Age III of Urmia Lake Basin in the Light of New Research. *The International Journal of Humanities*, 24(3), 1-13.
- Brown, T. B. (1951). *Excavations in Azerbaijan, 1948*. T. Burton Brown. J. Murray.
- Burney, C. (1970). Excavations at Haftavān Tepe 1968: First Preliminary Report. *Iran*, 8(1), 157-171.
- Burney, C. (1972). Excavations at Haftavān Tepe 1969: second preliminary report. *Iran*, 10(1), 127-142.
- Burney, C. A. (1962). The excavations at Yanik Tepe, Azerbaijan, 1961 second preliminary report. *Iraq*, 24(2), 134-152.
- Baxşəliyev, V. (2008). *Naxçıvanın Arxeoloji Abidələri*. Azərbaycan Milli Elmlər Akademiyası: Naxçıvan Bölməsi.
- Danti, M. D. (2013). *Hasanlu V: The Late Bronze and Iron I Periods*. University of Pennsylvania Press.
- DANTI, M. G., and Cifarelli, M. (2015). Iron II Warrior Burials at Hasanlu Tepe, Iran. *Iranica Antiqua*, 50, 61-157.
- De Morgan, H. D. K. (1905). Recherches au Talyche persan en 1901. *Mémoires de la mission archéologique française en Iran*, 8.
- Dyson Jr, R. H. (1999). Triangle-festoon ware reconsidered. *Iranica antiqua*, 34, 115-144.
- Fazeli, H., Coningham, R. A. E., Young, R. L., Gillmore, G. K., Maghsoudi, M., and Raza, H. (2007). Preliminary report of excavations at Tepe Pardis. *Archaeological Reports*, 7, 35-57.
- Halilov, T. (2014). Nahcivanda son tunc-erken demir çağının kil kablari. *Sosyal Araştırmalar Dergisi*, 3, 43-72.
- Köroğlu, K., and Konyar, E. (2008). Comments on the Early/Middle Iron Age Chronology of Lake Van Basin. *Ancient Near Eastern Studies*, 45, 123-146.
- Kroll, S. (1976). *Keramik urartäischer Festungen in Iran: Ein Beitrag zur Expansion Urartus in iranisch-Azarbaidjan*. Berlin: Reimer.



Payām-e Bāstānshenās
Islamic Azad University, Abhar Branch
Print ISSN: 2008-4285
Online ISSN: 2980-9886
Vol. 15, No. 28, Spring & Summer 2023



Pottery Classification and Chronology of Sarand-Daghdaghan Cemetery, East Azerbaijan

Saeid Sattarnejad¹, Mohammad Rahmatpour², Javad Zhaleh Aghdam³

DOI: 10.30495/peb.2023.703425

Abstract

As one of the most important cultural finds, pottery has an important place in the chronology of sites and the reconstruction of regional and extra-regional cultural interactions. Therefore, it is very important to know the pottery of each period. In some of the northwestern areas of Iran, sites belonging to the Iron Age I and II have been identified and explored. Therefore, there is a relative understanding of the pottery of this region. However, in some areas, especially Heris County, the Iron Age situation is not well known. The exploration of Sarand-Daghdaghan cemetery is very important in understanding the cultural situation of this city in the Iron Age, and introducing and presenting the pottery collection of this site is beneficial for regional studies and the relative chronology and recognition of pottery types in this area. In this research, which was conducted by field and library method, the pottery finds obtained from Sarand-Daghdaghan cemetery were studied, typologically, compared, and analyzed. Here, a comparative study of the pottery of Sarand-Daghdaghan cemetery with the pottery of other sites has been done with the aim of typology of the collection of pottery of this cemetery and relative chronology of cultural materials. In this cemetery, 6 types of pottery forms have been identified and documented, which are comparable to the data of some Iron Age I and II sites in Iran, the South Caucasus, and East Anatolia. According to the conducted studies and relative chronology, it can be stated that the clay collection of Sarand-Daghdaghan Heris cemetery is related to Iron Age I and II.

Keywords: Heris County, Sarand-Daghdaghan Cemetery, Iron Age I and II, Pottery Classification, Chronology.

* **Citation:** Sattarnejad, S., Rahmatpour, M., Zhaleh Aghdam, J. (2023). Pottery Classification and Chronology of Sarand-Daghdaghan Cemetery, East Azerbaijan. *Payām-e Bāstānshenās*, 15(28), 21-37. (In Persian)

¹ Ph.D. in Islamic Archaeology, Department of Archaeology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. Corresponding author: saeidsattarnejad@yahoo.com

² General Department of Cultural Heritage of East Azerbaijan Province, Tabriz, Iran.

³ B.A. in Archaeology, Department of Archaeology, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran.